

گپ و گفت با امیرمحمد مرادی، نوجوانی که در فستیوال جهانی امنیت و خودرو مدال طلا را کسب کرد

طلای ماشینی!

امیرحسین علی نیافر

نوجوانه



امروز در صفحه یکی مثل ما با کسی پای گفت و گو و بحث درباره زندگی و کارش نشستیم که خودش هنوز به سن گرفتن گواهینامه رانندگی نرسیده، اما برای صنعت خودروسازی در جهان، مدال طلای فستیوال جهانی امنیت و خودرو را شکار کرده است. در این شماره پای صحبت های امیرمحمد مرادی، نوجوان مخترع کشورمان نشستیم تا از چگونگی زیست یک مخترع پیرسیم.

از مکانیکی تا اختراع

معمولاً بعضی پدر و مادران عزیز به فرزندان شان لطف دارند و بدون در نظر گرفتن علاقه آنها، در کلاس های مختلفی ثبت نام شان می کنند که شاید فقط چندماه به عنوان یک تفریح سالم برای آنها حساب شود؛ نیت این کار کاملاً خیر و خوب است، اما ای کاش کمی در این وقت ها از خود فرزندتان این سوال را بپرسید که به چه کاری علاقه مند است؟

امیرمحمد تقریباً از زمانی که وارد کلاس پنجم شد، تصمیم می گیرد در مکانیکی کار کند و در کنار تحصیل، حرفه مکانیکی را زیر نظر استادش آموزش ببیند. شاید کمی عجیب به نظر بیاید اما امیرمحمد درون ذهنش چراغ هایی روشن و خاموش می شدند که در نهایت حرفه مکانیکی توانست آن نور موفقیت را روشن کند.

امیرمحمد می گوید: فکر می کنم امروزه دغدغه تمام نوجوان ها و تمام همسن و سالان من این است که یک درآمد خوب به همراه زندگی راحت و بدون دغدغه داشته باشند. همچنین او این نکته را اضافه می کند که بعد از یاد گرفتن های بسیار در حرفه مکانیکی، احساس می کند جای یک چیزی در زندگی او خالی است.

امیرمحمد می گوید که بعد از تعلیم در حرفه مکانیکی احساس می کند باید یک چیزی به دنیای ماشین ها اضافه کند و محصولی را به جهان ارائه بدهد. کمر بند هوشمند، محصول اولین کاوش های ذهنی یک نوجوان ۱۵ ساله بود.

کمر بند هوشمند!

راستش را بخواهید من هنوز بین الفبای رانندگی مانده ام و با این سن ممکن است خیلی ها سواد زیادی از دنیای ماشین و وسایل نقلیه نداشته باشند، مرد و زنش هم فرقی نمی کند. کمر بند هوشمند، حاصل ایده و فکرهای مداوم امیرمحمد در سن چهارده الی پانزده سالگی است.

در مواجهه با این سوال که چگونه این کمر بند هوشمند است و چطور کار می کند، نوجوان مخترع کشورمان گفت: این کمر بند شامل سنسورهای فعالی است که وقتی شما در جاده و خیابان و اتوبان تصادف می کنید، بعد از ایستادن ماشین کمر بندها به صورت خودکار باز می شود و شما می توانید راحت تر در لحظه بعد از حادثه از وسیله نقلیه خود پیاده شوید. زمانی این اختراع جذاب تر می شود که امیرمحمد سنسور خاصی برای این کمر بند طراحی کرده تا وقتی در حالت

عادی کار نکند، راننده یا سرنشینان و افراد داخل ماشین با گفتن یک عبارت بتوانند به سنسور دستور بدهند کمر بند را فوراً باز کند.

حداقل اگر نوجوانان چینی این وسیله جذاب را اختراع می کردند، شاید الان اخبار نوجوانان در فضای مجازی پر می شد از اینکه تعدادی از نوجوانان چینی توانسته اند وسیله مهمی اختراع کنند. متأسفانه امیرمحمد می گوید فعلاً برای تولید و عرضه مستقیم این وسیله مورد حمایت خاصی قرار نگرفته، اما علاقه ای در ته دلش وجود دارد که بتواند محصولش را روانه بازار کند.

گردنه حیران نوجوانی!

فکر می کنم دنیای نوجوانی مثل جاده پرپیچ و خم چالوس می ماند. همیشه در این سن درگیر ترافیک ذهنی خاصی هستیم که در نهایت می خواهیم در این دنیا به چه هدفی دست پیدا کنیم. از امیرمحمد این سوال را پرسیدم که

به نظر تو نوجوان های همسن تو چگونه می توانند به این نتیجه برسند که به چه چیزی علاقه مند هستند؟

او در واکنش به این سوال گفت: من از همان سن کم متوجه شدم که به دنیای ماشین ها بسیار علاقه مند هستم و به شدت این صنعت را دنبال می کنم. زمانی این علاقه من تبدیل به یک هدف جدی تر شد که من در یک دوره ای با خود فکر می کردم اگر در دنیای امروز ماشین ها وجود نداشتند، من به چه چیز دیگری علاقه پیدا می کردم؟ در نهایت وقتی جوابی برای سوال خود پیدا نکردم، به این نتیجه رسیدم که دنیای ماشین ها همان علاقه اصلی من در این جهان هستی است.

مدال طلای بی تشرک!

یکی از باکس های صفحه یکی مثل ما انگار درست شده تا در آن، از وضعیت عدم حمایت از نوجوانان گله کنیم و هر شماره بگوئیم ای کاش از سرمایه های کشور به صورت درستی بهره ببریم و بیشتر حمایت شان کنیم.

امیرمحمد بالحن و خنده تلخی می گوید: وقتی در فستیوال جهانی مخترعین امنیت خودرو در کشور امارات شرکت کردیم و در بین هفتاد و چند کشور به دلیل داشتن کمر بند هوشمند مدال طلا گرفتیم، ای کاش یک نفر با ما تماس می گرفت و می گفت دست تان درد نکند! این نوجوان خلاق می گوید: من مورد استقبال مدیران و نهادهای مرتبط قرار نگرفتم، چه برسد به حمایت!

شاید فکر می کنید مدرسه ای که او در آنجا مشغول به تحصیل است، از امیرمحمد بابت این کار جذابش تقدیر کرده است اما امیرمحمد می گوید: حتی برای مدال طلای او حاضر نشدن یک بنر روی دیوار مدرسه بچسبانند و نهایت کمک مدرسه به من، تبدیل شد به یک تخفیف پانصد هزار تومانی برای ثبت نام او در سال تحصیلی جدیدش...

من به عنوان نویسنده که

دیگر حرفی ندارم اما سالار عقیلی خواننده کشورمان می خواند: «چه بگوئیم؟ نگفته هم پیداست!»

مواد مورد نیاز مخترع شدن!

شاید شما بعد از خواندن این صفحه به این فکر افتاده باشید که چگونه می توانم شبیه امیرمحمدی باشم که وسیله ای را اختراع و برای کشورمان افتخار آفرینی می کند. اولین راهی که امیرمحمد پیشنهاد می کند، این است که باید در ابتدا علم، دغدغه و در نهایت عشق به اختراع کردن یک چیزی را داشته باشید.

در قدم اول باید به این فکر کنیم که آیا چیزی که می خواهیم اختراع کنیم، به فکر شخص و به ابداع شخص دیگری رسیده یا نه؟! در دومین مرحله که می توان آن را یکی از مرحله های سخت نامید، باید شما بتوانید ایده خودتان را در کاغذ و به صورت متن پیاده سازی کنید. در اینجا نیاز است که شما علم و دانش و مهارت پیاده سازی و رسیدن به ایده را کسب کنید و سپس از این مرحله عبور کنید. بعد از پیاده سازی ایده خودتان باید با خود روراست باشید و ببینید آیا این اختراع در حال حاضر می تواند دغدغه ای را از روی دوش کسی بردارد یا خیر؟ البته باید بگوئیم که بعضی اختراع ها ممکن است حتی دغدغه کسی نباشد و در نهایت، اگر عشق اختراع و ابداع ندارید، بهتر است این کار را کنار بگذارید.

علم ثروتمند!

در بیشتر لحظات مادران و پدران تعریف کرده اند که به آن های گفتند درباره جمله «علم بهتر است یا ثروت» انشاء بنویسند. امیرمحمد به این دلیل که علاقه بسیار زیادی به علم و دنیای ماشین ها دارد و تقریباً دوست دارد به وسیله دانش معروف شود، می گوید: به نظر من امروزه با علم هم می توان به ثروت رسید. چرا که برای مثال، اگر من در کشور چین این اختراع را به ثمر می رساندم، شرکت های بزرگی با من تماس می گرفتند و خط تولید محصول من آغاز می شد. نوجوان مخترع شانزده ساله کشورمان می گوید:

هیچ محصولی در دنیا مثل کمر بند هوشمند وجود ندارد و شاید چون من یک فرد خارجی نیستم، از من حمایت نمی شود.

همچنین او اشاره می کند که در حال حاضر فعالیتش را روی چند اختراع دیگر ادامه می دهد که از نظر او شانس های خوبی برای دیده و مطرح شدن دارند.

